

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال هفتم شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۴ (صص ۹۲-۶۹)

بررسی تطبیقی نقشه محرابی بر منسوجات سنتی ایران و هند

مریم فروغی نیا*

چکیده

هم‌جواری ایران و هند منجر به ایجاد نوعی رابطه بین‌فرهنگی گردیده که قدمت آن به پیش از اسلام باز می‌گردد. شباهت بیش از حد نقش محراب بر منسوجات دو کشور که ریشه در باورهای مشترک اعتقادی داشته، در مواردی تشخیص خاستگاه اولیه نقوش محرابی را مشکل می‌نماید. از این‌رو ضروری است رابطه تأثیر و تأثری منسوجات محرابی دو کشور، مورد مطالعه قرار گیرد. بر اساس فرض اولیه نقش محرابی از ایران به هند انتقال یافته و متأثر از فرهنگ هند، تغییر یافته است. پرسش‌های اساسی این پژوهش عبارتند از: رابطه تأثیر و تأثری نقش محراب در منسوجات هند و ایران چگونه است؟ وجوه اشتراک و افتراق این نقوش چیست؟ در این پژوهش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی، ابتدا منسوجات محرابی شاخص، استخراج و دسته‌بندی شده و خاستگاه آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. سپس ضمن مشخص کردن وجوه اشتراک و افتراق، به تحلیل این نقوش پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آنست که نقش محراب بیشتر در دوره صفوی به هند انتقال یافته و اگرچه اغلب عناصر ایرانی این طرح‌ها در منسوجات هندی در سه قرن گذشته حفظ شده، اما به مرور در ترکیب با فرهنگ هند در دوره معاصر، تغییراتی مختصر یافته است.

واژگان کلیدی: نقش محراب، منسوجات، ایران و هند

*Email: foroughinia@arts.usb.ac.ir

مری پژوهش هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲۰

۱- مقدمه

پیشینه‌ی ارتباط فرهنگی، سیاسی و تجاری هند و ایران به پیش از اسلام باز می‌گردد و این تعامل در برخی دوره‌ها از جمله در دوره‌ی ساسانی و صفوی بسیار قابل ملاحظه است. این مسأله موجبات تلاقی فرهنگ و ایجاد رابطه‌ی تأثیر و تأثری در هنرهای این دو منطقه به‌ویژه در منسوجات سنتی را فراهم آورده است؛ به‌طوری‌که در بسیاری موارد، هنرمندان این دو کشور به‌منظور کار، یادگیری و آموزش فنون بومی به کشورهای یکدیگر سفر می‌کردند. بر اساس مستندات «بافندگان هندی در دوران ساسانی از شهرهای بهاروچ، منداسور و پیتن دعوت شدند تا در کارگاه‌های درباری جندی شاپور، شوش و شوشتر به‌کار گرفته شوند». [هم‌چنین در همین دوران] بافندگان ایرانی از جاده ابریشم به هند، چین و آسیای میانه رفتند تا فنون پارچه‌بافی بومی آن مناطق را بیاموزند» (Agraval, 2003: 36). اگرچه در دوره‌ی ساسانی علی‌رغم فنون پارچه‌بافی مشترک، به‌دلیل غنای فرهنگ ساسانی و تفاوت‌های فرهنگی دو کشور، در نقش پارچه‌ها اشتراکات کمتری مشاهده می‌گردد اما چند قرن بعد، فرهنگ مشترک اسلامی، چنان بر هنرهای این دو منطقه سایه می‌افکند که در برخی موارد تشخیص خاستگاه اولیه نقوش مشترک را مشکل می‌نماید. بر اساس مستندات، حکومت اسلامی «در قرن پنجم هجری در هندوستان تأسیس گردید و از همان زمان هندوستان گهواره علم و دین قرار گرفت... علماء و بزرگانی از هر گوشه جهان اسلام به طرف هند سرازیر شدند و هرکس که در کشورش احساس ناراحتی و مشکل می‌نمود به هندوستان روی می‌آورد» (ندوی، ۱۳۷۹: ۱۱). این رابطه در دوره‌ی صفوی میان دو کشور بسیار مستحکم شد. «همایون امپراتور گورکانی هندی (فوت ۹۶۴/۱۵۵۶) در سال ۹۵۱/۱۵۴۴ به دربار صفوی در تبریز پناهنده شد. حضور وی منجر به پیامدهای مهمی در پیشرفت هنر و طرح‌های مغولی در زمینه‌ی طراحی منسوجات و فرش گردید» (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۱۷). او که شیفته‌ی فرهنگ غنی ایران بود، در بازگشت، تعدادی از هنرمندان ایرانی را با خود به هند برد.

«مهاجرت هنرمندان به دربار گورکانی هند از سرنوشت‌سازترین عوامل پیوند میان سنت‌های هنری ایران و هند گورکانی است. عده‌ی کمی از هنرمندان مانند عبدالصمد شیرازی بنا به دعوت فرمانروایان گورکانی به هند رفتند اما بیشتر ایشان از جمله میر محمد باقر، ظاهراً خود به هند سفر می‌کردند» (سوچک، ۱۳۸۴: ۱۲۶). علاوه بر این، دربار صفوی منسوجات و دیگر آثار نفیسی از هنرمندان برجسته‌ی ایرانی به دربار هند هدیه می‌کرد. امضای خواجه قیاس‌الدین علی یزدی طراح و هنرمند شهیر آن دوره بر پارچه‌های دربار گورکانی هند مشاهده شده است. «پنجاه قواره از پارچه-

های قیاس‌الدین در میان سیصد و پنجاه پارچه‌هایی بود که شاه عباس به رسم هدیه برای امپراتور گورکانیان مغول، یعنی اکبر (۱۶۰۵-۱۵۵۵/۱۰۱۴-۹۴۶) ارسال کرد» (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۳۱). رسوخ هنر اسلامی ایرانی به هند و تلفیق آن با هنر این منطقه منجر به ایجاد هنری هندی-ایرانی گردید که تولیدات دو منطقه را به ویژه از دوران صفوی تا قاجار تحت تأثیر قرار داد.

۱-۱- بیان مساله و سوال یا سوالات تحقیق

در حال حاضر آثار قابل توجهی از منسوجات منقوش به نقشه محرابی متعلق به ایران و هند در موزه‌های مختلف دنیا موجود است که به دلیل شباهت، تشخیص اصالت منسوج و طرح آن‌را مشکل می‌نماید؛ به‌ویژه که در مواردی از جمله پارچه‌های قلمکار، کپی‌برداری مستقیم صورت گرفته است. براین اساس ضروری است که خاستگاه اولیه این طرح‌ها مشخص گردد و ویژگی‌های اختصاصی نقشه محرابی در هر دو کشور معین گردد. بر اساس فرضیه اولیه نقوش محرابی از ایران به هند انتقال یافته و احتمالاً در هند تحت تأثیر فرهنگ هندی، برخی تغییرات در آن اعمال شده است. پرسش‌هایی که در این پژوهش بدان‌ها پرداخته خواهد شد عبارتند از: رابطه تأثیر و تأثیری دو کشور در به‌کارگیری نقش محراب در منسوجات چگونه است؟ این نقوش بر چه نوع منسوجاتی ظهور یافته است؟ وجوه اشتراک و افتراق این نقوش چیست و سیر تحول این نقوش بعد از انتقال، چگونه بوده است؟

۱-۲- اهداف تحقیق

در این پژوهش تلاش بر آنست تا با بررسی نقش محراب بر منسوجات سنتی دو کشور از طریق بررسی کاربرد محصولات منقوش به نقش محرابی، سیر تحول نقوش و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها، به نوع رابطه تأثیر و تأثیری این دسته از تولیدات در حیطه روابط بین‌فرهنگی ایران و هند به‌ویژه در سده‌های اخیر دست یافت.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

در این پژوهش بنیادی توصیفی و تحلیلی که اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده، ابتدا منسوجات دو کشور که با نقش محراب تزیین یافته، جمع‌آوری و بر اساس نوع منسوج، دسته‌بندی شده است. جامعه آماری شامل منسوجات دوره اسلامی به ویژه از قرن دهم هجری به بعد موجود در موزه‌های "متروپولیتن"، "موزه نساجی کانادا"، "ویکتوریا و آلبرت"، "بناکی"، "موزه ملی ایران و منسوجات نمایش یافته در منابع کتابخانه‌ای از قبیل کتاب "سیری در هنر ایران" آرتورپوپ است؛ از این میان ۸۱ نمونه استخراج شده که ۴۱ نمونه متعلق به ایران و ۴۰

نمونه متعلق به هند می‌باشد. نقوش محرابی هر دسته بر اساس عناصر شاخص مشترک هر طرح مورد تطبیق قرار گرفته و نقش مایه‌های متمایز غیر مشترک مشخص شده است. در نهایت اطلاعات حاصله بر اساس جنس و کاربرد محصولات، طرح و نقشه و نقش مایه در جدول‌های جداگانه خلاصه‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

۴-۱- پیشینه‌ی تحقیق

بررسی روابط بین‌فرهنگی ایران و هند از موضوعات مورد توجه بسیاری از محققین بوده است. آرتور پوپ از نخستین کسانی است که به معرفی منسوجات فاخر صفوی و گورکانی پرداخته و در "کتاب سیری در هنر ایران" در سال ۱۳۸۷ به معرفی گروهی از منسوجات ایرانی با نقش محراب پرداخته شده است. فریده طالب‌پور در سال ۱۳۹۰ در مقاله "بررسی تطبیقی نقوش منسوجات هندی گورکانی با پارچه‌های صفوی" به بررسی تطبیقی نقوش این منسوجات پرداخته و در مقاله "تاثیر نقوش ایرانی برهنر قلمکاری هند در دوره صفوی" در سال ۱۳۸۸ رابطه تأثیری هند از نقوش قلمکار ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. در تحقیقی مشابه با عنوان "بررسی تطبیقی نقوش پارچه‌های صفوی و گورکانی" در سال ۱۳۹۱ خلیل‌زاده مقدم و آقای صادق‌پور با نگاهی دیگر به بررسی نقوش مشترک این دوران پرداخته‌اند. همچنین در مقالاتی با عناوین "غیاث نقشبند" تالیف یحیی ذکاء در سال ۱۳۴۱، "زری بافی در دوره صفویه" در سال ۱۳۸۷ تألیف زهره روح‌فر و "نساجی یزد، تداوم خلاقیت و ابتکار" اثر مهناز شایسته‌فر در سال ۱۳۸۸ نیز به پارچه‌های صفوی و روابط ایران و هند اشاره شده است. در بررسی نقش محراب بر قالی‌های ایران نیز تحقیقاتی صورت پذیرفته که از این میان می‌توان به مقاله "نگاهی به قالی‌های محرابی موزه فرش آستان قدس رضوی و بررسی قالی هفت شهر عشق" اثر حسن کمندلو در سال ۱۳۸۸، مقاله "قالی محرابی باغی" اثر حسین ریشه‌ری در سال ۱۳۸۷، مقاله "نشانه‌شناسی قالی محرابی: بازتاب معماری مسجد در نقش فرش" اثر فرزانه فرشید نیک و دیگران در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد. در این پژوهش با استناد به دستاوردهای دیگر محققین سعی بر آنست تا اختصاصاً نقوش محرابی ظهور یافته بر منسوجات ایران و هند مورد بررسی قرار گیرد.

۲- بررسی پیشینه نقشه محرابی در ایران و هند

بسیاری از پژوهشگران اتفاق نظر دارند که احتمالاً حضور محراب در تمدن اسلامی، ریشه در مهرابه‌های معابد آناهیتا در آیین میتراپیسم دارد که از آیین‌های رایج در ایران پیش از اسلام است. نقش محراب که در معماری اسلامی جایگاهی آسمانی داشته، با منسوجاتی خاص پیوندی تفکیک-

ناپذیر می‌یابد. قالی‌های جانمازی دوره‌ی صفوی از قدیمی‌ترین سجاده‌های موجود است؛ اما بر اساس آثار نگارگری، می‌توان تاریخ ظهور نقشه محرابی بر منسوجات ایران را حداقل به قرن ۸ ه.ق نسبت داد که مربوط به قدیمی‌ترین تصویر سجاده از یک تابلو مینیاتور ایرانی است که در ترجمه بلعمی از کتاب تاریخ طبری نمایش یافته است. تابلوی مینیاتور دیگر، متعلق به معراج نامه میر حیدر و مربوط به ۸۴۰ ه.ق است که حضرت محمد (ص) را در میان پیامبران، نشسته بر سجاده نشان می‌دهد (تصویر ۱). در هر دو مورد، نقش تک محراب، بر زمینه‌ی قرمز نمایش یافته است.



تصویر ۱: پیامبر نشسته بر سجاده محرابی، معراج‌نامه میر حیدر (Ramezanmahi & Bolkhari, 2012: 21) در یکی از نگاره‌های کتاب طوطی‌نامه‌ی گورکانی، تصویر سجاده‌ای با نقش سه محراب نمایش یافته است که البته قدمت آن به قرن ۱۶ م. باز می‌گردد (تصویر ۲). از این دوران تا به امروز، منسوجات بسیاری با نقش محراب از دو کشور باقی مانده است. در دوره گورکانی «طراحان ایرانی (نقشه‌بندان) به این منطقه مهاجرت نمودند. آن‌ها اساتید ماهری در طراحی و بافت پارچه‌های طرح‌دار بودند» (طالب پور، ۱۳۹۰، ۱۹) و احتمالاً نقش محراب نیز از این دوره به‌طور وسیع در منسوجات هندی ظهور یافته است.



تصویر ۲: مینیاتور سبک گورکانی هند از کتاب طوطی‌نامه، قرن ۱۶ م. (Ahuja, 1999: 105)

دسته بندی انواع منسوجات ایرانی و هندی با طرح محرابی

منسوجات هندی با نقشه محرابی که در این پژوهش جهت سهولت با نام "منسوجات محرابی" از آن‌ها یاد خواهد شد، به عنوان سجاده، پرده، دیوارکوب، روپوش قبر و روتختی کاربرد داشته است. این منسوجات بر اساس روش تولید و شیوه‌ی اجرای نقوش بر روی آن‌ها به انواع منسوجات غیرداری و دست‌بافته‌های داری قابل تقسیم هستند. دست‌بافته‌های داری به انواع گلیم پشمی و پنبه‌ای، زیلو و قالی تقسیم می‌شوند و منسوجات غیر داری شامل انواع پارچه‌های سنتی هستند که نقش محراب یا در حین بافت پارچه بر روی آن‌ها ایجاد می‌شود از قبیل پارچه‌های ابریشم زربافت و یا بعد از بافت پارچه به صورت رودوزی، چاپ و یا نقاشی بر روی آن اجرا می‌شود؛ از قبیل گلابتون‌دوزی بر روی پارچه‌های مخمل و یا چاپ قلمکار.

۳- بررسی تطبیقی نقش محراب در پارچه‌های ایران و هند

در دوره صفویه «در انجام امور مذهبی مثل نماز از پارچه استفاده‌های مختلف شده است، مثل سجاده که گاه از فرش پرزدار و یا از پارچه‌های ابریشمی یا دوخته‌دوزی [رودوزی] شده بود و لوازم مورد استفاده برای نماز و دعا، مانند جامه‌ری مربع شکل و یا پارچه‌های مستطیل شکلی که در محراب‌ها انداخته می‌شد، از پارچه‌های زیبا و نفیس بود. گاه نیز از پارچه برای پوشش قبر مقدسان و بزرگان استفاده می‌شد... علاوه بر این در درون قصرها از پارچه برای تزئینات مختلف استفاده می‌شد. مانند زیراندازها و پوشش نیمکت‌ها، متکاها و دیوارها و درب‌های ورودی نیز با پرده‌های بلند پوشانده می‌شد» (پوپ، ۱۳۸۹: ۲۳۸۷). همایون گورکانی در بازگشت به هند «دستگاه پیچیده پارچه‌بافی را با خود به هند برد که مناسب بافت پارچه‌های زربافت بود و استادان ایرانی را به کار گرفت تا این شیوه جدید پارچه‌بافی را آموزش دهند» (Harris, 2006: 11). در دوره اکبرشاه در کارگاه‌های شهر ماسولپاتنام و مدرس «پارچه‌های نخی با استفاده از طرح‌ها و نگاره‌های ایرانی برای عرضه در بازارهای ایران تهیه می‌شد» (فریه ۱۳۷۴: ۱۶۸). از قرن ۱۱ هجری نقش محراب بر انواع پارچه‌های ابریشم زربافت، ساتن، نخی - پشمی و مخمل به وفور مشاهده می‌گردد. پارچه‌های ابریشم زربافت محرابی در ایران به عنوان روپوش قبر و پرده و در هند اغلب به عنوان دیوارکوب و پرده کاربرد داشته است. این نقش در هند علاوه بر ابریشم زربافت، بر پارچه‌های ابریشم و پنبه ساده‌باف نیز مشاهده می‌شود (جدول ۱). نقوش محرابی بر پارچه‌های ساتن زربافت، نخی - پشمی و پارچه‌های مخمل ایرانی نیز بافته شده (جدول ۲) ولی مشابه آن در مخمل‌های تولید

شده در هند که البته بسیار اندک هستند، مشاهده نگردید. مستندات نشان می‌دهد در قرن ۸ ه. ق. کارخانه پارچه‌بافی در دهلی هند فعال بود و اندک مخمل‌های اهدایی به دربار دیگر کشورها از تولیدات آن بوده است.

جدول ۱: تطبیق نقش محراب بر پارچه‌های ابریشم و زربافت ایران و هند (نگارنده)

	 <p>روپوش فبر، ابریشم زربافت، ۱۱ ه. ق.، (خلیل‌زاده مقدم و صادق‌پور، ۱۳۹۱: ۲۸)</p>	 <p>ابریشم زربافت، اصفهان، ۱۱ ه. ق.، موزه بنیادی، (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۹، ۱۰۴۴)</p>	ایران
 <p>پارچه ابریشم و پنبه‌ای ساده باف، قرن ۱۸ م. (سایت موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)</p>	 <p>پارچه ابریشمی زربافت، قرن ۱۹ م. (سایت موزه ویکتوریا و آلبرت)</p>	 <p>دیوارکوب ابریشم، شمال هند، قرن ۱۷ م. (Scala Picture Library)</p>	هند

اما بافت مخمل پرزدار که از ابداعات ایرانیان بوده، و بافت مخمل ساده و بدون پرز، به طور رسمی و در مقیاس وسیع از دوره صفوی به کشور هند انتقال یافت. «روشی که در بافت مخمل‌های هندی به کاررفته، مخمل ساده و تکررنگ است که پارچه با نخ‌های تار و پود پنبه‌ای و پرز ابریشم بافته، یا در آن از تار، پود و پرز ابریشم استفاده می‌شد» (طالب‌پور، ۱۳۹۰: ۲۲). بهترین مخمل‌ها یا ابریشم هند «متعلق به فاصله زمانی اکبرشاه تا اورنگزیب است، چراکه این دوره، اوج هنر و صنعت مغولان هند بوده است» (دیماند، ۱۳۶۵: ۱۸). این نقش به شکل رودوزی بر پارچه آماده نیز ظهور یافته و اغلب نمونه‌های باقیمانده با نخ ابریشم بر پارچه نخی اجرا شده‌اند (جدول ۳). نقش محراب بر پارچه‌های

مخمل تک رنگ زردوزی شده و آجیده‌دوزی نیز نمایش یافته است (جدول ۴). در موزه متروپولیتن، پارچه‌ای ایرانی از جنس کتان، باقی مانده که نقش محراب هندسی با ابریشم بر روی آن، رودوزی شده است. نقوش محرابی پارچه‌های هندی و ایرانی شامل محرابی ساده، قندیلی، گلدانی، سروی و درختی، بته‌جقه و ستونی است.

جدول ۲: نقش محراب بر پارچه‌های ساتن، نخ‌پشمی و مخمل ایران (نگارنده)

		
مخمل، اصفهان، ۱۱ ه.ق، (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۹، ۱۰۸۹)	پارچه نخ‌پشمی، قرن ۱۹ م. (سایت موزه متروپولیتن)	ساتن زر بافت، اصفهان، دوره شاه عباس اول، موزه وبکتوریا و آلبرت (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۹، ۱۰۴۷)

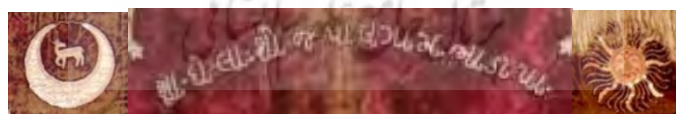
جدول ۳: تطبیق نقش محراب بر پارچه‌های نخ‌پشمی دوزی ایران و هند (نگارنده)

				ایران
ابریشم دوزی بر پارچه نخ‌پشمی، ۱۰ ه.ق، موزه هنرهای صنایع، بوداپست (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۵، ۱۰۵۵)	پارچه نخ‌پشمی ابریشم دوزی شده، اوایل قرن ۲۰ م. (سایت موزه متروپولیتن، ۱۰۱۳)			
				هند
پارچه نخ‌پشمی ابریشم دوزی، سبک گورکانی، قرن ۱۸ م. (سایت موزه وبکتوریا و آلبرت لندن)	پارچه نخ‌پشمی ابریشم دوزی، ۱۸ م. (سایت موزه وبکتوریا و آلبرت لندن)	پارچه نخ‌پشمی ابریشم دوزی، سبک گورکانی، (rugrabbit.co)	دیوارکوب نخ‌پشمی دوزی، ۱۷ م. (Khalili.2008. 105)	

از نقش مایه‌های متمایز این منسوجات می‌توان به نقش خورشید با صورت انسانی و نقش هلال ماه دربر گیرنده نقش آهو در دو طرف محراب و نوشتاری در زیر محراب مخمل زردوزی شده قرن ۱۹ هند اشاره کرد (تصویر ۳) که نمونه آن در آثار ایرانی موجود نیست. در موزه متروپولیتن سجاد-ای ایرانی از جنس نمد موجود است، که نقش محراب بر روی آن، مشابه سجاده‌های رشتی‌دوزی با ابریشم رنگی، گل‌دوزی شده است (جدول ۵). البته شیوه گل‌دوزی بر روی نمد در هند نیز اجرا می‌شد اما سجاده نمدی ایرانی، بیشتر در ترکیه و با نقوشی ساده‌تر تولید می‌گشت.

جدول ۴: تطبیق نقش محراب بر پارچه‌های مخمل ابریشم دوزی و آجیده دوزی ایران و هند (نگارنده)



 <p>پرده، رشتی دوزی ایران، قرن ۱۹ میلادی، (سایت موزه متروپولیتن)</p>	 <p>مخمل رودوزی شده، فاجار</p>	 <p>سجاده آجیده و ابریشم، دوزی اصفهان، ۱۱ و ۱۲ ه.ق. (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۹، ۱۱۰۲)</p>	ایران
	 <p>مخمل زردوزی شده، قرن ۱۹ م. (rugrabbat.com)</p>	 <p>سجاده آجیده و ابریشم، دوزی، سبک گورکانی ۱۹ م.</p>	هند



تصویر ۳: نقوش ماه و خورشید و نوشتار در مخمل زردوزی شده قرن ۱۹ هند (نگارنده، برگرفته از

منسوجات هندی جدول ۴)

جدول ۵: نقش محراب بر نمد و کتان ایرانی (نگارنده)

	
<p>ابریشم دوزی روی نمد، شمال ایران، قرن ۱۸م. (سایت موزه مترو پولیتن)</p>	<p>ابریشم دوزی روی کتان، قرن ۱۸م. (سایت موزه مترو پولیتن)</p>

۴- بررسی نقش محراب در پارچه‌های نقاشی و چاپ شده یا ایران و هندی

از مهم‌ترین شیوه‌های نقش‌اندازی مشترک ایران و هند، نقاشی و یا چاپ قلمکار است که به دلیل رواج آن در هر دو کشور، تعیین خاستگاه دقیق آن مشکل است. اصل واژه قلم‌کار که در هر دو کشور به کار می‌رود ایرانی است. بر اساس مستندات، ایرانیان «برای رقابت با چینی‌ها و هم-چنین به منظور جلب نظر مغولان، دست به ابتکارات زدند که از آن جمله ابداع نقاشی روی پارچه با قلم یا به اصطلاح ابداع قلمکار نقاشی و سپس چاپ قلمکار با قالب و مهر بوده است» (یاوری، ۱۳۸۵: ۱۵). در دوران صفوی هنرمندان ایرانی در تهیه قلمکار در دربار گورکانی فعالیت داشتند. «آ-ن‌ها طرح‌ها و شیوه‌های تولید ایرانی را در قلم‌کارهای هندی به کار گرفتند. به دلیل نزدیکی شیوه قلمکارسازی هند به قلمکارسازی اصفهان، تشخیص قلمکار هندی و ایرانی از یکدیگر در این دوران مشکل است» (Dhamija, 1989: 155). پارچه‌های قلمکار تولید شده در هند در این زمان به صورت «سجاده، آستر جامه، پرده‌ای، مجمعه پوش، دیوارآویز و انواع پوشش‌ها که با نقوش ایرانی تزیین می‌شدند، از هند به ایران صادر می‌شد» (طالب‌پور، ۱۳۹۰، ۲۰). به دلیل ارتباط تنگاتنگ دو کشور در تولید این پارچه‌ها، بیشترین تطابق نقش محراب در پارچه‌های قلمکار دو کشور مشاهده می‌گردد و بر این اساس می‌توان به تحلیل منسجم‌تری از نقوش محرابی در این پیکره مطالعات به دست یافت. این دسته‌بندی مبتنی بر عناصر شاخص به کار رفته، عبارت است از:

۴-۱ محرابی سروی: در این طرح، نقش سرو بر زیر طاق محراب نمایش یافته و اغلب در دو سوی درخت، نقش طاووس مشاهده می‌گردد (جدول ۶). در برخی، دو نقش سرو در دو طرف محراب، به شکل دو ستون تکرار می‌گردد.

۴-۲ **محرابی درختی**: در این طرح، نقش درختی افشان و اغلب گل و میوه‌دار بر زمینه زیر محراب، ظهور یافته است. در نوع دیگری از طرح درختی، بر زیر محراب، نقش درختی، مشابه درخت نخل نمایش می‌یابد (جدول ۷).

۴-۳ **محرابی نمکدانی**: نقش محراب هندسی این طرح، مشابه دستبافته‌های سنتی نمکدان ایرانی، از یک چهارضلعی بزرگ به عنوان زیر محراب و یک چهارضلعی کوچک‌تر بر روی آن، به عنوان طاق محراب تشکیل یافته است. قسمت فوقانی این طرح، با نقش شرابه مانند و زیر محراب، با نقش سرو و یا بته جقه پوشش می‌یابد (جدول ۸). تنوع بیشتر این طرح در ایران، گویای احتمال خاستگاه آن در ایران است.

۴-۴ **محرابی گلدانی و گل‌بوته‌ای**: در زیر طاق محراب، نقش گلدان یا گل‌بوته پر از گل نقش بسته است. این نقش بر پارچه‌های هند بسیار مشاهده می‌گردد (جدول ۹). البته در ایران مشابه این نقش بر قالی‌های محرابی مناطق مختلف ایران یافت می‌شود.

جدول ۶: تطبیق نقش محراب سروی قماکارهای ایران و هند (نگارنده)

 <p>(سایت موزه منسوجات ۱۳۱:۱۳)</p>		 <p>چاپ قلمکار، سده ۱۱ و ۱۲ ه.ق (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۹: ۱۰۹۴)</p>	ایران
 <p>پرده، قرن ۱۹م. (سایت موزه متروپولیتن)</p>	 <p>گجرات، ۱۹۰۰- ۱۹۳۰ (سایت موزه منسوجات کانادا)</p>	 <p>پرده، ۱۹۰۰-۱۹۴۰م. (سایت موزه منسوجات کانادا)</p>	هند



تصویر ۷: نقش خوشید چهره نما، انسان جانورسان و انسان با لباس هندی در پرده‌های هندی قرن بیستم، (نگارنده، برگرفته از منسوجات هندی جدول ۶)

جدول ۷: تطبیق نقش محراب درختی قلمکارهای ایران و هند (نگارنده)

<p>اصفهان، ۱۹۰۰-۱۹۴۰م. (سایت موزه متروپولیتن، کانادا)</p>	<p>چاپ قلمکار، سده ۱۱ و ۱۲ ه.ق. (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۹-۱۳۹۴)</p>	ایران
<p>نقاشی قلمکار هند، (سایت موزه متروپولیتن)</p>	<p>پرده یا روتختی، اوایل قرن ۱۸م. (سایت موزه متروپولیتن)</p>	هند

جدول ۸: تطبیق نقش محراب نمکدانی قلمکارهای ایران و هند (نگارنده)

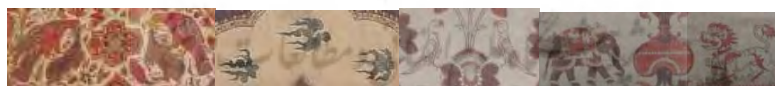
<p>پارچه نخی، ۱۸۰۰م. (سایت موزه متروپولیتن)</p>	<p>پرده، ۱۹۰۰-۱۹۴۰م. (سایت موزه منسوجات کانادا)</p>	ایران
		<p>سجاده، ۱۹م. شمال هند (arts.jozan.net)</p>

۴-۴- محرابی گلدانی و گل بوته‌ای: در زیر طاق محراب، نقش گلدان یا گل بوته پر از گل نقش بسته است. این نقش بر پارچه‌های هند بسیار مشاهده می‌گردد (جدول ۹). البته در ایران مشابه این نقش بر قالی‌های محرابی مناطق مختلف ایران یافت می‌شود.

جدول ۹: تطبیق نقش محراب گلدانی و گل بوته‌ای قماکارهای ایران و هند (نگارنده)

				ایران
				
پرده گجراتی، قرن ۱۸م.	دیوارکوب، قرن ۱۷م. (سایت موزه متروپولیتن)	دیوارکوب، اواخر قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸م. موزه ویکتوریا و البرت	پرده، قرن ۱۸م. (سایت موزه متروپولیتن)	پرده، ۱۷م. موزه متروپولیتن (سایت)

نقش عقاب شکارگر آهو در دو طرف نقش گلدان و نقش ابر در بالای نقش بوته پرده‌های هندی قرن ۱۷ موزه متروپولیتن و نقوش طوطی، شیر و فیل در دو طرف گلدان پرده گجراتی قرن ۱۸م (تصویر ۵) از نقوش هندی متمایز آثار جدول ۹ است.



تصویر ۵: نقش عقاب و آهو، ابر، طوطی و شیر و فیل در منسوجات هندی (نگارنده، برگرفته از منسوجات هندی جدول ۹)

۴-۵- محرابی تصویری: در زیر محراب این طرح‌های قاجاری، تصاویر انسانی نمایش می‌یابد. این طرح‌ها به دلیل حفظ حرمت سجاده، اغلب بر روی پرده و دیوارکوب‌ها ظهور می‌یابد. تصاویر انسانی منسوجات ایرانی، اغلب خیالی و برگرفته از ادبیات و مضامین دینی مرتبط با بهشت هستند ولی تصاویر انسانی منسوجات محرابی هند، واقع‌گرایانه‌تر و برگرفته از مضامین فرهنگ هندی می‌باشند (جدول ۱۰).

۴-۶ محرابی ساده: این طرح در مقایسه با طرح‌های قبلی، هندسی و کم پیرایه است (جدول ۱۱). اگرچه بر پارچه‌های قلمکار ایران این طرح کمتر مشاهده می‌گردد، اما در قالی‌های روستایی کرد، افشار و قشقایی ایران، مشابه آن بافته می‌شود. علاوه بر چاپ قلمکار، نقش محراب به صورت چاپ باتیک بر پارچه‌های ایرانی و به صورت چاپ زرنگار طلایی، بر پارچه‌های هندی نیز ظهور یافته است (جدول ۱۲).

جدول ۱۰: تطبیق نقش محرابی تصویری در قلمکارهای ایران و هند (نگارنده)



جدول ۱۱: تطبیق نقش محرابی ساده در ایران و هند (نگارنده)



۶- بررسی تطبیقی نقش محرابی در تخت‌بافته‌های ایران و هند

چنان‌که اشاره شد، تخت‌بافته‌های داری دو کشور از لحاظ مواد اولیه و شیوه‌ی بافت به انواع زیلوهای پنبه‌ای و گلیم‌های پشمی و پنبه‌ای قابل تقسیم هستند. زیلوبافی از قدیمی‌ترین هنرهای مناطق کویری ایران است که «در میبد قدمت آن را به پیش از اسلام می‌رسانند و حتی میبیدی‌ها ابتکار آن را به خود نسبت می‌دهند» (محبی و آشوری، ۱۳۸۴: ۴۳).

جدول ۱۲: نقش محراب در پارچه‌های چاپ باتیک ایران و زرنگار هند (نگارنده)




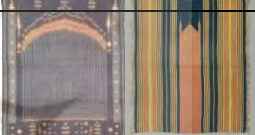

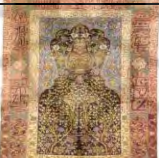




دستبافته‌ای مشابه زیلوهای ایرانی در هند تولید می‌گردد که "دهاری" (Dhurrie) یا "داری" نام دارد. واژه‌ی "داری" (Dâri) ریشه در زبان سانسکریت داشته و «قدیمی‌ترین تکه دهاری یافت شده در هند متعلق به قرن سوم تا اول پیش از میلاد است» (Ahuja, 1999, 30). زیلوهای پنبه-ای ایران در مقایسه با داری‌های هند ساده‌تر هستند و اغلب به‌عنوان فرش در اماکن مقدس کاربرد دارند؛ اما داری‌های هند کاربرد وسیع‌تری داشته و علاوه بر پنبه از پشم نیز بافته می‌شوند. در جدول ۱۳ انواع نقش محراب در تخت‌بافته‌های هندی و نقوش مشابه در بافته‌های ایرانی معرفی شده است.

۱- بررسی تطبیقی قالیچه‌های محرابی ایران و هند

از قرن دهم هجری به بعد، سجاده‌های بسیار خوش بافت در ایران به وجود آمد. قالی‌های محرابی دوره صفویه و قاجاریه دارای طرح‌های گوناگونی است که عبارتند از: «محرابی کتیبه‌ای، محرابی قندیل‌دار، محرابی درختی، محرابی گلدانی، محرابی سرتاسری و محرابی دورنما» (تنهایی؛ خزایی، ۱۳۸۸: ۷). از مهم‌ترین طرح‌های مشترک دو منطقه، طرح‌های محرابی گلدانی و گل‌بوته‌ای است. «گل‌ها و گیاهان که نشانگر علاقه صفویان به باغ و بستان است، نقش‌مایه‌های قابل توجهی می‌باشند. گاهی بخش بالای این‌گونه گل‌ها به شکل غنچه‌های شکفته‌ای نشان داده می‌شود که بر روی طومارهای اسلیمی ظریف و گسترده‌ای افتاده‌اند که خود این نقش و نگارها به شکل لایه لایه قرار گرفته‌اند اما طرح، شکل یک تک شاخه‌ای را به خود می‌گیرد که در ردیف‌های منظمی تکرار می‌شود. از زیر برگ‌های ظریف، ساقه‌ای باریک به شکل منحنی بالا می‌رود و در انتها شکفته شده و به شکل یک گل خشخاش، رز یا زنبق در می‌آید» (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

جدول ۱۳: تطبیق نقش محراب در تخت بافته‌های ایران و هند (نگارنده)

نقشه	هند	ایران	توضیحات
محراب و مناره یا سرو	 داری پنه‌ای (Ahuja, 1999, 104)	 زیلوی پنه‌ای میبد	بافت سجاده‌های تک نفره‌ی دورنگ با نقوش ساده و هندسی در هر دو کشور رواج داشته است.
محرابی صف	 داری پنه‌ای، راجستان هند، Ahuja, 1999, 106 م. ۱۹۴۰	 زیلو پنه‌ای میبد (محبی و آشوری، ۱۳۸۴، ۵۰)	سجاده‌ی صف در هند به صورت تک ردیف ساده چند رنگ و در ایران به شکل چند ردیفی دو رنگ و منقوش اجرا می‌گردد.
محرابی ستونی چند رنگ	 داری پنه‌ای و پشمی، هند، Ahuja, 1999, 106 م. ۱۹۰۰؛ پنه، ۱۸۸۰-۱۹۳۰ م. (مستند حیات کاشانی)	عدم مشاهده نمونه‌ی مشابه	رنگ‌های شعله‌سان نارنجی و زرد زیر محراب، احتمالاً نمادی از نور است.
محرابی قندیل‌دار	 داری پنه‌ای، هند، اواخر قرن Ahuja, 1999, 107 م. ۱۹۰۰	 قالی قندیل‌دار صفی‌ساز	نمونه‌ی تخت بافته‌ی ایرانی این نقش یافت نشد اما نقش محرابی قندیل‌دار بر قالیچه‌های سجاده‌ای صفوی رواج بسیار داشته و قدمتان به پیش از دوره‌ی صفوی و در شمال غرب ایران باز می‌گردد.
نمای مسجد و دو مناره	 داری پنه‌ای، بیکانر یا جیبور، Ahuja, 1999, 108 م. ۲۰۰۰	 قالی سه محراب سیستان	نمونه‌ی تخت بافته‌ی این نقش در ایران یافت نشد اما قالی‌های سه محراب جنوب شرق ایران و افغانستان تا حدودی با این نقش مشابه است.

البته توجه به باغ و بستان در این زمان در هند نیز رواج می‌یابد و «باغ در اوایل دوره گورکانیان در هند، جزء مهمی از برنامه جغرافیایی و مکان‌شناسی منطقه‌ای بود» (وسکوت، ۱۳۸۷: ۸۹). نقش محراب بر طیف وسیعی از قالیچه‌های سجاده‌ای و قالی‌های پرده‌ای دو کشور در قالب طرح‌های متنوع ظهور یافته که عمده‌ترین این طرح‌ها در جدول ۱۴ مورد تطبیق قرار گرفته‌اند. شایان ذکر

است که نقشه محرابی بر بسیاری از قالی‌های روستایی ایران نیز ظهور یافته که صرفاً طرح‌های قالی‌های شهری صفوی در قرن ۱۶م. مورد اقبال دربار گورکانی قرار گرفته و در هند گسترش یافته‌اند.

جدول ۱۴: تطبیق نقش محراب در قالی‌های ایران و هند (نگارنده)

ایران	هند	نقشه
 <p>سجاده محتشم کاشان، اواخر قرن ۱۹م. سجاده تبریز، اواخر قرن ۱۹م. (spongo hongo)</p>  <p>ساروق، قرن ۱۹م.</p>	 <p>قالیچه، کشمیر یا لاهور، ۱۶۳۰-۴۰م. (موزه متروپولیتن)، (Walker, 1998, 92)</p> <p>اواخر قرن ۱۸م. (jozan.net) و (persiancarpetguide.com)</p>	محرابی با نقش درختچه گل
 <p>طرح ناظم یا هزارگل قشقایی</p>	 <p>قرن ۱۸م. (Walker, 1998, 131)</p>	محرابی هزارگل
 <p>۱۳۲۰ ه.ق، موزه آستان قدس رضوی</p>	 <p>۱۸۲۰م. (Walker, 1998,) (130)</p>	پرده‌های محرابی

 <p>اصفهان، سبک کاشان؛ پرده‌ای محرابی ترنجدار، ۱۳۵۰، بافت اصفهان، موزه آستان قدس رضوی</p>	 <p>کشمیر، سبک کاشان، ابریشم، (Mathur, 2004, 45)</p>	محرابی شاه عباسی
 <p>سجاده سه محرابه شمال غرب ایران، قرن ۱۱ ه.ق. موزه کویت (پوپ واکرمن، ۱۳۸۹: ۱۱۷۱)</p>	 <p>فرش محرابی، هند، ۱۸۰۰م. (Walker, 1998: 134)</p>	محرابی صف
 <p>کرمان، قاجار، (دادگر، ۱۳۸۰: ۱۸)</p>	عدم مشاهده نمونه	محرابی سروی

نقش محراب در تخت بافته‌های هندی، بسیار ساده‌تر و هندسی‌تر از قالی‌های محرابی است. از نقوش شاخص منسوجات محرابی داری می‌توان به نوشته‌های خوشنویسی در قالیچه قندیل‌دار قرن ۱۶م. در جدول ۱۳ اشاره کرد (تصویر ۶) که از آثار فاخر دوره صفوی است و به‌عنوان سجاده کاربرد داشته است و مشابه آن در منسوجات محرابی هند موجود نیست. کتیبه‌های خوشنویسی با محتوای دعا، اذکار و آیات به منظور حفظ حرمت و قرار نگرفتن در زیر پا، صرفاً در نیمه فوقانی این نوع قالیچه‌ها تکرار شده‌اند. هندی‌ها نقش "هزارگل" را که در قالی‌های ایران از جمله قالی قشقایی با نام طرح "ناظم" یه و فور بافته می‌شود، به خود نسبت می‌دهند. این نقش ریشه در محرابی‌های گلدانی صفوی داشته که بعد از ورود به هند، تغییراتی مختصر یافته است.



تصویر ۶: کتیبه‌های خوشنویسی در دو طرف محراب برخی از قالیچه‌های صفوی (نگارنده)

۲- تحلیل تطبیقی نقوش محرابی بر منسوجات هند و ایران

منسوجات محرابی ایران و هند به از لحاظ کاربرد به دو دسته مذهبی شامل سجاده و روپوش قبر و محصولات غیر مذهبی شامل پرده، دیوارکوب و روتختی تقسیم می‌شوند و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی دو کشور، تفاوت‌هایی بایکدیگر دارند. مطابق جدول ۱۵ در ایران روپوش قبر و در هند روتختی محرابی از تولیدات اختصاصی هر کشور است. در ایران سجاده‌های زیلو باف و در هند داری‌های پشمی و پنبه‌ای تولید می‌گردد. مخمل بافی و چاپ باتیک با نقش محراب صرفاً در نمونه‌های ایرانی و چاپ زرنگار بر روی مخمل، صرفاً در منسوجات هندی مشاهده می‌گردد.

جدول ۱۵: دسته‌بندی منسوجات محرابی ایران و هند از نظر جنس و کاربرد (نگارنده)

سجاده	روپوش قبر	پرده	دیوارکوب	روتختی
ایران	گلیم باف پشمی، زیلو، قالیچه، ابریشم رو دوزی شده و زربافت، پارچه نخی و پشمی، نخی ابریشم دوزی شده، آجیده دوزی	ابریشم زربافت، ساتن زربافت	قالی، ابریشم زربافت، کتان ابریشم رودوزی شده، مخمل، چاپ باتیک، قلمکار، نخی ابریشم دوزی شده	ابریشم زربافت، نمده ابریشم دوزی شده
هند	قالیچه، داری‌های پنبه‌ای و پشمی، نخی ابریشم دوزی شده، آجیده دوزی، قلمکار، مخمل زردوزی شده	قالی، ابریشم زربافت، مخمل زرنگار، نخی ابریشم دوزی شده	قلمکار، ابریشم ساده و پنبه باف، نخی ابریشم دوزی شده	قلمکار

در جدول ۱۶ طرح‌های محرابی براساس نقشه و میزان پراکندگی، در دو کشور مشخص شده است. مطابق این اطلاعات طرح محرابی شاه‌عباسی، قندیلی و نمکدانی تنها در منسوجات ایرانی و طرح‌های محرابی ساده، محراب و گلدسته و گل بوته‌ای در منسوجات هند بیشتر از ایران ظهور یافته است.

جدول ۱۶: دسته‌بندی نقوش محرابی ایران و هند از نظر میزان انتشار (نگارنده)

تصویر	محراب و گلدسته	بته جقه-ای	نمکدانی	قندیلی	گلدانی	گلپو ته ای	شاه عباسی	درختی	محراب بی ساده	
**	*	*	*	*	**	*	*	**	*	ایران
*	**	*			**	**		**	**	هند

نقش مایه‌های شاخص به کار رفته در منسوجات محرابی هند و ایران به دسته‌های اشاره شده در جدول ۱۷ قابل تقسیم هستند. چنان‌که ملاحظه می‌گردد ایرانیان در به‌کار بردن نقش مایه‌ها جانب احتیاط را رعایت کرده و به‌ویژه در طرح‌های محرابی غیر تصویری، صرفاً از نقوشی استفاده کرده‌اند که با مفاهیم و اعتقادات اسلامی و فرهنگ ایرانی انطباق داشته‌است. هندی‌ها در دریافت طرح‌های ایرانی، ابتدا به نقوش گل و درخت علاقه بیشتری نشان داده‌اند و به تدریج با مرور زمان، نقش مایه‌های متناسب با فرهنگ هند را نیز بر آن افزوده‌اند. به‌ویژه در منسوجات محرابی که برای ارائه به غیر مسلمانان تولید می‌شده از قبیل پرده و روتختی، رد پای عناصر غیر ایرانی و غیر اسلامی، به وضوح مشهود است و در مقایسه با نقوش ایرانی از تنوع بیشتری برخوردارند.

جدول ۱۷: دسته‌بندی نقش مایه‌های رایج در منسوجات محرابی ایران و هند (نگارنده)

گیاهی	جانوری	انسانی	خط‌نگاره	مظاهر طبیعت و نقوش اسطوره‌ای	
زنبق، گل سرخ، نرگس، سرو، درخت زندگی و درخت چند گل، نخل، گل شاه عباسی، بته جقه	شیر، طاووس، یوقلمون، آهو، گوزن	مرد، زن، فرشته	ادعیه و اذکار با الفبای فارسی و عربی		ایران
زنبق، گل سرخ، گل خشخاش، سرو، درخت زندگی، نخل، بته جقه	شیر، طاووس، آهو، فیل، طوطی، ببر، پلنگ، اسب	مرد، زن، کودک	بسیار نادر و با الفبای هندی	خورشید و ماه، ابر، انسان با سر خورشید، خورشید چهره نما	هند

نتیجه

اگرچه اسلام از قرون اولیه هجری در هند وارد شد اما گسترش وسیع نقشه‌های محرابی بر منسوجات هندی دوره گورکانی به این سو بیانگر پذیرش و رواج آن در چهار قرن گذشته است. کشور هند اگرچه نقوش محرابی را در ابتدا از ایران گرفت، اما رواج برخی نقشه‌ها از قبیل نقشه محرابی گلدانی و گل‌بوته‌ای که با ذائقه طبیعت دوستی گورکانیان سازگارتر بوده و یا انتخاب شیوه قلمکار که هندی‌ها در تولید آن تبحر بسیار داشتند گویای آنست که این وام‌گیری به شکل انتخابی بوده و هندی‌ها تا حدودی موفق به بومی‌سازی این نقش در فرهنگ غنی خود شده‌اند.

جایگزینی نقش مایه‌های طوطی و فیل هندی، به جای نقوش طاووس و شیر ایرانی، ظهور نمادهای خورشید و ماه در دو طرف طاق محراب، اجرای نقوش محرابی به شیوه هندی زنگاری و تولید وسیع تخت‌بافته‌های داری با نقوش محرابی ساده و هندسی که نمونه‌های آن در ایران کمتر یافته می‌شود از مظاهر این بومی‌سازی محسوب می‌گردد.

کاربرد خط‌نگاره که در برخی منسوجات محرابی ایران به ویژه در قالی‌چه‌ها و روپوش‌های قبر رواج داشته، در منسوجات محرابی هند بسیار کم‌یاب است. هم‌چنین، نقش محراب در برخی شیوه‌های پارچه‌بافی هند که اصالت ایرانی داشته و تولید آن نیازمند مهارت بیشتر است از قبیل مخمل‌بافی، ظهور نیافته در حالی که در مخمل‌بافی ایران اجرا شده است.

برخی نقشه‌های ایرانی از قبیل نقشه محرابی درختی و نقش مایه‌های شیر، طاووس و بته‌جقه که با فرهنگ هند مطابقت بیشتری داشته - و شاید ریشه در فرهنگ زرتشتی و مهاجرت چندگانه زرتشتان ایرانی به هند دارد- از طرح‌های مورد اقبال دو کشور است و در مقابل، برخی طرح‌های محرابی ایران از قبیل محرابی قندیلی و محرابی شاه‌عباسی در هند با استقبال کمتری مواجه شده است.

آنچه از نقشه‌های محرابی ایران به هند منتقل شده، صرفاً نقشه‌های شهری و درباری ایران است که به صورت رسمی از طریق مهاجرت هنرمندان و یا تبادل نقشه‌های ایرانی صورت پذیرفته و نقشه‌های روستایی ایران از قبیل نقوش سجاده‌های نمکدانی در فرهنگ هند حضوری کم‌رنگ یافته است. البته شباهت طرح محراب و دو مناره در داری‌های هند با طرح سه محراب در قالی‌های بلوچ ایران و افغانستان بیانگر نوعی رابطه تأثیر و تأثیری مختصر در طرح‌های محرابی روستایی مناطق همجوار است.

تولید برخی منسوجات محرابی از جمله روپوش قبر در فرهنگ هند جایگاهی نداشته که شاید ریشه در فرهنگ متفاوت خاک‌سپاری و مرده سوزی و یا کاربرد ویژه این منسوجات در ایران است. چراکه در ایران این منسوجات برای پوشش قبر امامزادگان و بزرگان مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد.



منابع

- ۱- بیکر، پاتریشیا، **منسوجات اسلامی**، چاپ اول، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵
- ۲- پوپ، آرتور آپم؛ آکرمن، فیلیپس، **سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا به امروز**، ویرایش زیر نظر سیروس پرهام، جلد پنجم و یازدهم، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷
- ۳- تنهایی، انیس؛ خزایی، رضوان، **انعکاس مفاهیم نماز در قالیچه‌های محرابی صفویه و قاجاریه**، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره یازدهم، صص ۷-۲۴، ۱۳۸۸
- ۴- خلیل زاده مقدم، مریم، **صادق‌پور فیروزآباد**، ابوالفضل، **بررسی تطبیقی پارچه‌های صفوی و گورکانی**، نشریه نگره، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۱
- ۵- دادگر، لیلا، **فرش ایران**، تهران: میراث فرهنگی، ۱۳۸۰
- ۶- سوچک، پرسیلا، **هنرمندان ایرانی در هند گورکانی - آثار و دگرگونی‌ها**، ترجمه عباس آقاجانی، گلستان هنر ۲، صص ۱۲۶-۱۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۴
- ۷- طالب‌پور، فریده، **بررسی تطبیقی نقوش منسوجات هندی گورکانی با پارچه‌های صفوی**، فصلنامه نگره، شماره ۱۷، صص ۱۵ تا ۳۹، ۱۳۹۰
- ۱- فرشید نیک، فرزانه؛ افهمی، رضا؛ آیت‌اللهی، حبیب، **نشانه‌شناسی قالی محرابی - بازتاب معماری مسجد در نقش فرش**، فصلنامه گلجام، شماره ۱۴، صص ۹-۲۷، پاییز ۱۳۸۸
- ۲- فریه، آر. **دبلیو، هنرهای ایران**، ترجمه پرویز مرزبان، چاپ اول، تهران: نشر فروزان، ۱۳۷۴
- ۳- محبی، حمید رضا؛ آشوری، محمد تقی، **نماد و نشانه در نقش‌پردازی زیلوهای تاریخی طرح محرابی (صف) میبد**، فصلنامه گلجام، شماره صفر، صص ۴۲-۶۰، زمستان ۱۳۸۴
- ۴- ندوی، علامه سید ابوالحسن علی، **تاریخچه ادوار اسلامی و ادوار آن در هند**، چاپ دوم، ترجمه محمد قاسم قاسمی، انتشارات صدیقی، ۱۳۷۹
- ۵- وسکوت، جیمز ال، **باغ‌های گورکانی هند و علوم جغرافیایی گذشته و حال**، ترجمه پویان شهیدی، گلستان هنر، شماره ۱۱، صص ۸۹-۱۰۵، بهار ۱۳۸۷
- ۶- یاور، حسین؛ بطالی یادگار، علیرضا؛ هلالی اصفهانی، هاله، **قلمکار اصفهان**، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵
- 7- Agrawal, Yarshod Hara, **Silk Brocade**, Luster Press, New Dehli: Roli Books, 2003
- 8- Ahuja, Shyam, **Dhurrie Flatwoven Rugs of India**, India Book House Limited, 1999
- 9- Dhamija, Jasleen & Jyotindra Jain, **Hand Woven Fabrics of India**, Main Publishingm, PVT Ltd, Ahmedabad, India, 1989.
- 10- Harris, Jennifer, **5000 Years of Textiles**, British Museum Press, London, 2006.

- 11- Mathur, Asharani, **Indian Carpets**, Nehru: Rupa, 2004
- 12- Ramezanmahi, Somayeh, Bolkhari, Hassan, **The Manifestation of Fire and Light in the Icons of Mir-d-d-d-r-r-s-s M-j-j-j a-a-m-e-h** Ghahi International Journal of Arts: 2(4), 16-25, 2012
- 13- Khalili, Nasser, **Islamic Art and Culture**, London, 2008
- 14- Walker, Danial, **Flowers Underfoot (Indian Carpets of the Mughal Era)**, London: Thames and Hudson, 1998
- 15- <http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online> (سایت موزه متروپولیتن)
- 16- <http://www.rugrabit.com>
- 17- <http://www.scalapicturelibrary.com>
- 18- <http://www.textilemuseum.ca> (سایت موزه منسوجات کانادا)
- 19- <http://www.vam.ac.uk> (سایت موزه ویکتوریا و آلبرت)

